

## اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن

ابراهیم فیروزیان حاجی<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه با توجه به این که دولت‌ها از تمام امکانات و ابزارهای قدرت برخوردار بوده و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسدۀ وسوع استفاده از قدرت گردد. به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر محدود کردن حاکمیت ممکن است زمینه سوء استفاده را برای برهم زندگان نظم جامعه فراهم نماید، به همین دلیل می‌باشد که گونه‌ای وضع قاعده نمود که تأمین کننده هر دو هدف باشد.

اصل برائت به عنوان اصل اساسی، ضامن آزادی‌ها و حقوق شهروندی مشروع و قانونی افراد جامعه نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی و همچنین حفظ کرامت و حیثیت شهروندان در برابر متعرضان و افراد مغرض دارد.

**کلید واژه‌ها:** حقوق شهروندی، اصل برائت، قانون اساسی، حقوق متهم.

Rfirozian@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۰

#### مقدمه

برخورداری از حسن نیت نسبت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی، سوء ظن و یا برچسب زدن، یکی از عناصر مهم ایجاد بهداشت روانی در جامعه و تصمین امنیت و آرامش واقعی برای شهروندان محسوب می‌گردد. ضرورت تامین و عدم تخلف از این حقوق اقتضا دارد که تصمیناتی نسبت به آنها پیش بینی شود، تا راه بر متعدیان نسبت به حقوق شهروندی بسته شده و شهروندان نسبت به تامین آرامش و امنیت روانی و جسمانی خود اطمینان داشته باشند.

ابعاد فرهنگی و ذهنی اصل برائت در حقیقت تصمینی برای استقرار این امنیت و آزادی در جوامع انسانی می‌باشد چرا که اگر افراد جامعه دائماً در معرض اتهام و بدگمانی قرار گیرند امنیت و آسایش روانی از آنها سلب می‌شود. ظهور عملی اصل برائت در اعمال، رفتار، گفتار و پندار اعضاء جامعه موجب تقویت و ایجاد احساس امنیت در اشخاص گشته و این احساس امنیت در پایبندی و تعلق به ارزش‌های جامعه و رعایت قانون و حقوق دیگران مهمترین نقش را ایفا می‌کند.

این اصل به عنوان ضامن آزادی‌ها و حقوق مشروع و قانونی افراد جامعه نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی و همچنین حفظ کرامت و حیثیت شهروندان در برابر متعرضان و افراد مغرض دارد. به این منظور در این مقاله ابتدا به بررسی اصل برائت پرداخته و سپس حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان نیز رابطه اصل برائت و حقوق شهروندی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۱- اصل برائت

### ۱-۱- تعریف اصل برائت از دیدگاه فقهاء

در اصول فقه از چهار اصل: برائت، احتیاط، تخيیر و استصحاب با عنوان اصول عملی یاد می‌شود، و مراد از اصول عملی، اصولی هستند که در هنگام جهل نسبت به حکم شرعی واقعی، تکلیف مکلف را در مقام عمل مشخص می‌کنند (مظفر، محمد رضا، ۱۷/۱). منظور از اصل برائت این است که اگر مجتهد شک در تکلیف کند، چه شک در وجوب (شبهه و جویبه) و چه شک در حرمت (شبه تحریمیه) و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نکند شرعاً (برائت شرعیه) و عقلاً (برائت عقلیه) آزاد است و می‌تواند محتمل الوجوب را ترک کند و محتمل التحریم را مرتکب شود و اگر چه در واقع هم واجب بوده باشد ولی او ترک کرده باشد و یا حرام بوده باشد ولی او مرتکب شده باشد، بر او عقاب و مؤاخذه ای نیست. ضمناً فرقی نمی‌کند که منشأ شبهه، فقدان دلیل باشد یا اجمال دلیل و یا تعارض نصیئن (محمدی، علی، ۲۳۳/۴). مرحوم آخوند خراسانی در کفایه الاصول چنین می‌نویسد: «لو شک فی وجوب شیء او حرمته ولم تهض عليه حجه شرعاً و عقلاً ترک الاول و فعل الثاني و كان مأموناً من عقوبة مخالفته كان عدم نهوض الحجة لـإجل فقدان النص أو اجماله و احتماله الكراهة أو الاستحباب أو تعارفه ...» (خراسانی، ۱۳۶). با این مضمون که: «اگر در وجوب یا حرمت چیزی شک شده و حجت و دلیلی بر آن نباشد از نظر شرع و عقل می‌توان شک اول را ترک، و دومی را به جا آورد و از عقوبیت مخالفش در امان بود.»

به عبارت دیگر مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر مجتهد شک در تکلیف کرد، چه شک در وجوب باشد (شبهه و جویبه) و چه شک در حرمت باشد (شبهه تحریمیه) و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نکرد، شرعاً (برائت شرعی)

و عقلأً (برائت عقلی) آزاد است و می‌تواند محتمل الوجوب را ترک کند، محتمل التحریم را مرتکب می‌شود و جای هیچ نگرانی هم نیست و از باب عقاب خیالش آسوده باشد که ولو در واقع هم واجب بوده و او ترک کرده عقاب نخواهد شد، یا حرام بوده و مرتکب شده مؤاخذه نخواهد داشت؛ ضمناً فرقی ندارد که منشأ شبھه نبودن دلیل معتبر باشد یا اجمال دلیل باشد و یا تعارض نصین (محمدی، ۲۳۳). علامه حیدری نیز در تعریف اصل برائت آورده‌اند: «برائت یعنی اینکه ذمه انسان از تکلیف بدی باشد» (حیدری، ۲۳۷).

با توجه به موارد پیش گفته، باید گفت در هر جا که در وجود تکلیف بر ذمة شخصی دچار شک و تردید شدیم با توجه به اصل برائت باید قائل به این شویم که ذمة آن شخص از تکلیف بری بوده جرا که تحمیل تکلیف بر اشخاص و محدود کردن آزادی آنها نیازمند دلیل بوده و بدون دلیل قاطع و روشن عقلأً و شرعاً جایز نیست که تکلیفی را بر اشخاص تحمیل نماییم.

علمای علم اصول، اصل برائت را بر مبنای دلایل و مستندات آن به دو دسته تقسیم نموده‌اند: ۱- برائت عقلی ۲- برائت شرعی (نقلی).

یکی از ادله‌ای که اصولیّین جهت اثبات اصل برائت به آن تمسک جسته‌اند دلیل عقل است.<sup>۱</sup> به این بیان که هر انسان عاقلی، عقاب و مجازات و مؤاخذه را بدون دلیل و برهان قبیح می‌داند که در واقع همان قبح عقاب بلا بیان می‌باشد. به عبارت دیگر؛ هر گاه در مورد عملی از طرف شارع و قانون‌گذار حکمی به مکلف نرسیده باشد، قاعدة قبح عقاب بلا بیان می‌گوید: ارتکاب عدم ارتکاب عملی که شک در حرمت یا وجوب آن داریم، دارای کیفر و مؤاخذه نخواهد بود چرا که مجازات چنین شخصی از دید هر انسان عاقلی قبیح است.

۱- به تفصیل در مستندات اصل برائت بحث شده است.

اصولین برای اثبات حجیت اصل برائت به ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) تمسک جسته‌اند، در این مقاله با توجه به اینکه محوریت مسأله حول موضوع دیگری است به اختصار به ذکر این دلایل پرداخته و محققان و پژوهشگران را برای دیدن مباحث تفضیلی به کتب معتبر اصولی ارجاع می‌دهیم:

### ۱- آیاتی از قرآن: (آیات قرآن و برائت)

الف) «**لَا يَكْلُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا**»: «خداؤند هیچ کس را جز بدانچه

بدو داده است تکلیف نمی‌کند.» (الطلاق، ۵).

عده‌ای از فقهاء دلالت آیه فوق بر اصل برائت را روشن و واضح دانسته‌اند ولی شیخ انصاری دلالت آیه فوق را بر مسأله برائت واضح نمی‌دانند (انصاری، ۱۱۶). مرحوم آخوند خراسانی نیز در کفایه، هیچ اشاره‌ای به این آیه ننموده‌اند و به نظر می‌رسد که ایشان نیز آیه فوق را مناسب جهت استدلال بر اصل برائت نمی‌دانند. لکن شهید صدر و محقق عراقی، این آیه را به عنوان یکی از مستندات اصل برائت می‌دانند (صدر، ۲/۳۲۳).

ب) «**وَ مَا كَنَا مَعْذِلَ بَيْنَ حَتَّىٰ نَبْعَثُ رَسُولًا**» (الاسراء، ۱۵): «ما عذاب کننده نیستیم مگر هنگامی که فرستاده‌ای بر انگیزیم.» این آیه بر این امر دلالت دارد که خداوند متعال تا زمانی که پیامبر و رسولی نفرستد، کسی را عذاب نمی‌کند. اکثر اصولین در دلالت این آیه بر حجت اصل برائت اتفاق نظر دارند. البته آخوند خراسانی در کفایه الاصول بعد از اینکه عنوان می‌دارند. ظهور آیه فوق در مسئله برائت از بقیه آیات بیشتر است... اما در پایان، استدلال به این آیه را نیز برای اثبات حجیت اصل برائت ضعیف دانسته و معتقدند از آیات قرآن برای اثبات حجیت اصل برائت نمی‌توان استفاده کرد (خراسانی، ۴/۲۳۴ - ۲۳۶).

ج) «**وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَضْلُلَ فَوْ مَا بَعْدِ إِذْهَدَاهُمْ حَتَّىٰ يَبْيَنَ لَهُمْ مَا**

**يتقون إن الله بكل شيءٍ علِيهِ** (التبه، ۱۱۵): «وَ خَدْوَانِدَ بَرَ آن نِيَسْتَ كَه گُروهی را بعد از آن که هدایتشان کرد به ضلالت بکشاند مگر آنکه آنچه را باید از آن پروا کنند بر ایشان بیان کرده باشد. آری خدا به هر چیزی داناست.»  
دلالت این آیه به این نحو است که خداوند متعال قومی را گمراه نمی‌کند مگر بعد از بیان آن تکالیف و حدودی که باید رعایت نمایند و تعبیر «بین لهم» نشان دهنده این امر است که مراد «وصول بیان» است.

## ۲- روایات و برائت

الف) حدیث اطلاق: قال الصادق (ع) «كل شيءٍ مطلق حتى يرد فيه نهيٌ»: هر چیزی مطلق (مباح) است تا این که نهی بر آن وارد شود (وسائل الشیعه، ۱۸/۱۲۷، باب ۱۲، حدیث ۶۰) به موجب این روایت انسان‌ها از انجام هر چیزی که نهی نشده‌اند آزاد می‌باشند. حال اگر در خصوص موضوعی هم واقعاً نهی وارد شده باشد ولی به مکلفین نرسیده باشد مثل این است که اصلاح‌نهی وارد نگردیده است و حکم به برائت می‌شود. مرحوم شیخ انصاری نیز دلالت این روایت بر جریان اصل برائت را پذیرفته‌اند (همو، الرسائل، ۳۲۷).

### ب) حدیث رفع

مرحوم صدقوق در کتاب خصال حدیثی را نقل می‌کند بشرح زیر:  
قال رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم: رفع عن امتی تسعة: الخطأ والنسيان و ما اكرهوا عليه و ما لا يعلمنون و ما لا يطيقون و ما اضطروا اليه ... (صدقوق، ۲/۲۲۷).  
«از امت من نه چیز برداشته شده است: خطأ، فراموشی، آنچه بر آن اکراه شده‌اند، آنچه نمی‌دانند، آنچه فوق طاقت ایشان است، آنچه بدان مضطر شده‌اند...»  
تکیه اصولیین به این حدیث برای اثبات حجیت اصل برائت به عبارت «ما لا يعلمنون» می‌باشد که عبارتست از اموری که انسان‌ها بدان آگاهی ندارند یعنی

اکر به دلیل عدم علم به حکمی، خلاف آن را مرتکب شوند، مؤاخذه و عقابی بر آن فصل آن‌ها مترتب تخواهد بود.

#### ج) حدیث حجب

قال الصادق(ع): ما حجب الله علمه عن العباد فهو مرفوع عنهم(حر عاملی، ۱۸)؛ «آنچه خداوند متعال دانش آن را از بندگان پوشیده نگه داشته است از ایشان برداشته شده و در آن تکلیفی ندارند.» به عبارت دیگر «معنای حدیث این است که هر حکم الزامی که علم آن از بندگان محجوب است و ما نسبت به آن علم نداریم و الزام مجھول است در ظاهر این الزام از بندگان مرفوع است و در حق آن‌ها فعلی نیست. در نتیجه مؤاخذه هم ندارد و معنای برائت جزء این نیست.»(علی محمدی، ۲۴۸/۴).

#### د) حدیث حلیت

قال الصادق (ع): «کل شيء هو لك حلال حتى تعرف (تعلم) انه حرام يعنيه فتدعه...»(حر عاملی، ۱۲ / ۶۰) «هر چیزی همواره برای تو حلال است تا زمانی که علم به حرمت آن پیدا کنید.

#### ۳- اجماع و برائت

برخی از اصولیین برای اثبات اصل برائت به اجماع نیز استفاده نموده‌اند ولی استناد به اجماع در اینجا خالی از وجه می‌باشد چرا که در مسأله شک در تکلیف که هم دلیل قاطع عقلی و هم دلیل واضح و روشن نقلی داریم نوبت به اجماع نمی‌رسد و با فرض وجود اجماع، به دلیل وجود دلایل نقلی، اجماع مدرکی هم حجیت نداشته و قابل اعتنا نیست.

آخوند خراسانی نیز در بحث اجماع چنین می‌فرماید: «و اما الاجماع فقد نقل على البرائة الا انه مرهون ولو قبل باعتبار الاجماع المنقول في الجمله، فان تحصيله في

مثل هذه المسئلة مما للعقل اليه سبيل و من واضح النقل عليه دليل بعيد جداً «نقل اجماع ببرائة مرهون است اگر چه اجماع منقول را اجمالاً معتبر و حجت بدانیم، زیرا تحصیل آن در مثل این مسئله که حاکم‌ش عقل بوده و علاوه بر آن دلیل نقلی واضح بر آن موجود است، بسیار بعيد به نظر می‌رسد.» (آخوند خراسانی، ۳۹۰).

لذا همانطور که گفته شد با این همه دلیلی که از قرآن و سنت در مسئله حجت برایت گفته شد اگر اجماعی هم حاصل گردد، یادآوری این نکته لازم است که اگر دلایل استنادی برای حجت اصل برایت (قرآن، سنت و اجماع) باشد، این نوع برایت، برایت شرعی (نقلی) نامیده شده است.

#### ۴- عقل و برایت

عمده‌ترین دلیلی که برای اثبات حجت اصل برایت می‌توان بدان استناد کرد، دلیل عقلی - دلیل عقلي - است و مقصود از دلیل عقل همان قاعده عقلی «قبح عقاب بلا بیان» می‌باشد یعنی از نظر هر انسان عاقلی عقاب بدون بیان و مؤاخذه بدون دلیل و برهان قبیح و ناپسند می‌باشد.

نظر آخوند خراسانی در مورد دلیل عقل:

«و اما العقل فانه قد استقبل بقبح العقوبه و المؤاخذه على مخالفه التكليف المجهول بعد الفحص و الياس عن الظفر بما كان حجة عليه، فانهما بدونها عقاب بلا بیان و مؤاخذه بلا برهان و هما قبیحان بشهادة الوجدان» (آخوند خراسانی، ۳۹۰). «عقل به طور مستقل حکم می‌کند که عقوب و مؤاخذه بر مخالفت تکلیف مأیوس گشته و دستش از حجتی که دلالت بر آ» نماید کوتاه مانده قبیح می‌باشد، چه آنکه عقوب و مؤاخذه بر تکلیف مجهول بدون حجت معتبری که بر آن قائم باشد از قبیل عقاب بلا بیان و مؤاخذه بلا برهان محسوب شده که هر دو به شهادت و جدان قبیح می‌باشند.» بنابراین می‌توان گفت که ادلہ شرعی برایت در واقع نوعی ارشاد

به حکم و دریافت عقل انسان در این خصوص است چرا که دلیل عقلی کاملترین دلیل برای اثبات حجیت برائت می‌باشد.

#### ۱-۲- برائت از دیدگاه حقوقدانان

اصل برائت را می‌توان میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدن جهان محسوب کرد که به ویژه در یکی دو قرن اخیر مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها، موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی قرار گرفته است. حال آنکه مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که از گذشته دور تا یکی دو قرن اخیر جز در برخی نظام‌های حقوقی مانند حقوق اسلامی، اصل برائت حداقل در پاره‌ای از اتهامات پذیرفته نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی به ارائه دلایل کافی علیه متهم، اثبات بی‌گناهی به عهده خود متهم واگذار می‌شده است.

به موجب اصل برائت هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، بی‌گناه فرض می‌شود تا گناهکاری او برطبق قانون در یک دادگاه صالح ثابت گردد.

#### ۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مفاهیم مدرن و از لوازم زندگی دموکراتیک افراد در یک جامعه سیاسی محسوب می‌شود و منظور از آن کلیه حقوقی است که یک شهروند بر اساس قوانین و مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است این حقوق به ویژه در ارتباط دولت و دولتمردان با شهروندان آحاد جامعه مد نظر می‌باشد، که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد (احمد پور، ۱۴۲۲).

حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی

انسانها در عصر مدرن می باشد، تحولات تاریخی و نوسانات زندگی اجتماعی بشر و روابط افراد با دولتها و دولتمردان به نقطه‌ای انجامید که ضرورت وجود قواعدی برای تعیین استاندارهای قابل قبول برای تأمین شرایط مناسب در روابط اجتماعی و روابط دولت و طبقه حاکم با شهروندان احساس گردید، ویژگی های خاص زندگی نوین همراه با پیچیدگی های آن اقتضا نمود که اصول پیشرفته ای به طور جامع و کامل پاسخگوئی نیاز بشر در این عرصه و حمایتگر افراد جامعه و شهروندان در برابر طبقه حاکم باشد.

در حقوق اسلامی که معیار آن حفظ کرامت انسان و هویت واقعی اوست (جوادی آملی، ۶۱). بسیاری از این حقوق از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، بر این اساس شهروندان، افراد مطیع و محکومان حکومت که به عنوان ابزار مطامع شخصی و گروهی حاکمان مورد استفاده قرار گیرند، نمی باشند بلکه در روابط دولت با افراد جامعه به عنوان شهروند همواره این اصل (اصل کرامت انسان) باید مدنظر قرار گیرد و تعیین هر نوع حقوقی بدون در نظر داشتن این اصل مبنایی و نظری اصیل غیر معتبر خواهد بود، رفتار دولتمردان و تعیین قواعد حقوقی و هر نوع تعاملی با شهروندان باید با حفظ کرامت انسان همراه باشد و الٰا از دیدگاه اسلام مردود و غیر قابل قبول می باشد (همانجا، ۱۶۲).

علاوه بر این، ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش هخامنشی بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و حقوق شهروندی را مورد تأکید قرار داده است، منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن در اسناد به دست آمده

قابل مشاهده است و حتی برخی بر آنند که این منشور همان نوشه‌ای است که امروزه «اعلامیه حقوق بشر» می‌خوانند (جنیدی، ۳۵).

در راستای همین هدف، حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی فرمان هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرائی در خصوص حقوق شهروندی را صادر کردند و نشان دادند که این حقوق بخشی از گفتمان جمهوری اسلامی است. به موجب ماده چهارم این فرمان، هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقيف نماید، هر چند مدت توقيف کم باشد، توقيف یا احصار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است، همچنین وفق بند پنجم، هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقيف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی، در بند ششم نیز به حرمت خانه و محل کار شخصی اشاره شده است.

### ۳- اصل برائت ضامن حقوق شهروندی

با توجه به این که دولت از تمام امکانات و ابزارهای قدرت و زور برخوردار است و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسدہ و سوء استفاده از قدرت گردد لذا به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی چون اصل برائت در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می‌رسد.

اصل برائت به عنوان یکی از معیارهای اعمال عدالت، از سنگرهایی است که انسان در پناه آن توانسته است رمز مقابله با تجاوز و تعرض به حقوق خود را دریابد

و احساس امنیت و آزادی را در وجود خود تقویت کند. اصل برایت موجب رعایت شان و حرمت اجتماعی افراد و تأمین امنیت و آسایش روحی و روانی اعضای جامعه خواهد شد (شاملو، ۲۶۹). مدنظر قرار گرفتن چنین اصل مبنایی در حقوق موضوعه هر کشوری ضامن رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی در آن کشور خواهد بود.

### ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ در فصل سوم خود به حقوق ملت پرداخته است، مهمترین حقوق شهروندی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در سایه اصل برایت بر آنها مهر تأیید نهاده است به شرح ذیل می باشد:

- ۱- اصل برخورداری از حقوق مساوی در اصل ۱۹ ق.ا
- ۲- اصل مصونیت، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت در اصل ۲۲ و ۳۳ ق.ا
- ۳- اصل منوعیت تفتیش عقاید در اصل ۲۳ ق.ا
- ۴- آزادی اخبار و اطلاعات در اصل ۲۴ ق.ا
- ۵- اصل عدم تعرض به مکاتبات در اصل ۲۵ ق.ا
- ۶- آزادی سیاسی و اجتماعی در اصل ۲۶ و ۲۷ ق.ا
- ۷- اصل آزادی در انتخاب شغل در اصل ۲۸ ق.ا
- ۸- اصل امنیت فردی در اصل ۳۲ ق.ا
- ۹- حقوق قضایی شهروندی در اصل ۳۴ ق.ا
- ۱۰- اصل برایت در اصل ۳۷ ق.ا
- ۱۱- منع هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع در اصل ۳۸ ق.ا
- ۱۲- اصل منوعیت هتك حرمت و حیثیت متهم و مجرم در اصل ۳۹ ق.ا

## اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن // ۱۷۷

۱۳- حق تابعیت و تغییر آن در اصل ۴۱ ق.ا

۱۴- اصل حرمت مالکیت در اصل ۴۶ و ۴۷ ق.ا

## ۳-۳- قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

در سال ۱۳۸۳ قانون «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام بخشنامه حقوق شهروندی در قوه قضائیه دستور کار واحدها گردید. در چهارچوب قانون «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بسیار تلاش شده است تا با توجه به نارسایی ها، و پیچیدگی هایی که در نظام قضایی کشور وجود دارد از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قضایی و ضابطان دادگستری پاسداری شود. تدوین این قانون اقدامی است در راستای از میان بردن تعرضات احتمالی به حقوق شهروندان که در آن بر مواردی تأکید شده که با موازین حقوق بشر و اصول قانون اساسی ایران هماهنگی دارد.

در این قانون بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت شکنجه، رعایت حقوق دفاعی متهم، حفظ حریم خصوصی، اصل برائت و امنیت فردی و... تاکید شده است (قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۳/۲).

## ۳-۳-۳- اصل برائت ضامن حقوق متهم

تحقیق عدالت کیفری همواره در طول تاریخ آرزوی انسان های عدالت خواه بوده و هست و بدون تردید عدالت کیفری که هدف هر دادرسی کیفری است بدون برقراری محاکمه منصفانه که در آن حقوق شهروندی و آزادی های متهم محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. امروزه به دلیل اینکه حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی در آمده است و مقامات تعقیب در امور کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در

مقابل متهم، دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمینات ویژه را دارا می باشند و در مقابل متهم از هیچ یک از این امکانات بهره مند نیست کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی العموم سنگینی می کند (خزائی، ۱۳۹). با این شرایط عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برایت در امور کیفری را آشکار می سازد که با پذیرش آن، آثار مختلف حقوقی بر آن بار می شود که در تمامی آنها به شکلی حقوق متهم مورد حمایت قرار می گیرد. مهمترین قلمروهای اصل برایت کیفری در رابطه با حقوق متهم عبارتند از:

### ۳-۱-۳- مرحله تحقیقات مقدماتی ضابطین دادگستری

مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از مراحل مهم دادرسی های کیفری می باشد که نقش بسیار مهمی در حاکمیت بخشیدن به اصل برایت یا نقض آن دارد. پلیس یا نیروی انتظامی یکی از ارکان مهم برقراری امنیت و آسایش عمومی محسوب می گردد و چنانچه عملکرد اصولی و منطبق با قانون نداشته باشد خود از عناصر کاهش ضریب امنیت خواهد بود و چنانچه دستگاه نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری در عمل پاییند به اصل برایت کیفری باشند در ترویج فرهنگ قانوننما داری یا در حاکمیت بخشیدن به امنیت روحی و روانی و احساس امنیت شهروندان مهمترین نقش را ایفا می کنند. بنابراین آموزش دستگاه پلیس و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برایت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه و شهروندان، فرهنگ قانوننما داری و کاهش هزینه ها و کمیت پرونده های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است. همچنین تکلیف دادستان در نظارت و کنترل بر عملکرد نیروهای ضابط دادگستری به ویژه نیروی انتظامی در تقویت و ترویج فرهنگ التزام به اصل

برائت کیفری بسیار مؤثر و تعیین کننده است (سرمست بناب، باقر، اصل برائت و حقوق کیفری، ص ۳۰-۳۱).

### ۲-۳-۳- مرحله کشف جرم، تشریفات کترل هویت و بازرسی

ورود به زندگی خصوصی افراد به هر شکل از نظر اخلاقی مذموم و از نظر قانونی موجب مسئولیت است، حال آنکه تحقیق و رسیدگی درباره یک جرم مستلزم چنین اموری است، برای کشف جرم افراد باید تحت نظر قرار بگیرند، مورد بازرسی واقع شوند و از نظر هویت کترل شوند، یکی از آثار اصل برائت این است که افراد تا زمان اثبات جرمشان در یک دادگاه صالح بیگناه بوده و بایستی با آنها تا زمان اثبات جرمشان همانند اشخاص و شهروندان بیگناه رفتار شود و لذا توقيف، بازرسی و کترل هویت اشخاص مغایر با اصل برائت بوده و باید تابع تشریفات خاصی گردد. منظور از تشریفات بازرسی این است که مأموران صلاحیت دار نمی‌توانند به هر نحو که مایل باشند و در هر زمان که می‌خواهند مبادرت به بازرسی کنند بلکه بازرسی منازل و اشخاص تابع قواعد تشریفاتی است که مراعات آنها برای مأموران الزامی می‌باشد. الزامی بودن رعایت مقررات تشریفات بازرسی از اصل قانونی بودن طرز رسیدگی و نیز اصل برائت ناشی می‌شود که به موجب آن حقوق اشخاص در قبال خودسری عمال دولت مورد حمایت و صیانت قرار می‌گیرد (انصاری، ۲۹۴).

برای فهم شأن و منزلت حریم خصوصی افراد و عدم تجسس و کنکاش در زندگی انسانها و لزوم مراعات آن شاید بهترین مرجع، دستور صریح قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌باشد که می‌فرماید: «**وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا أَكْثَرًا مِنَ الظُّنُونَ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُونَ أَثْمُ وَ لَا تَجْسِسُوا...**» نهی از تجسس در امور دیگران، برای افراد جامعه این امکان را پدید می‌آورد که از کنجکاوی، کسب اطلاع

و دخالت و مزاحمت سایرین فارغ باشند و به عبارت دیگر حريم خصوصی ایشان محترم شناخته شود. در قانون اساسی ایران نیز به عنوان اولین منبع مهم قانونی و حقوقی کشور در راستای دغدغه حفاظت از این حريم و حقوق افراد و شهروندان تضمیناتی در اصل ۲۵ مغتنم شمرده و مورد حمایت قرار گرفته است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، افسای مخابرات تلگرامی، فکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع، و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» پیش از اصل ۲۵ قانون اساسی در اصل ۲۲ حیثیت افراد در کنار جان، مال، حقوق، مسکن و شغل ایشان مصون از تعرض دانسته شده است.

### ۳-۳-۳- مرحله تعقیب و دستگیری متهم

اصل برائت و حقوق شهروندی اقتضا می‌کند که در مرحله تعقیب و دستگیری یکسری تشریفات و مواردی مورد رعایت قرار گیرند. با توجه به اینکه متهم از اصل برائت بهره می‌برد باید با وی همانند زمان قبل از اتهام برخورد شود و نباید آزادی وی سلب یا محدود شود. در نتیجه جز در مواردی ویژه از قبیل جرایم مشهود و جرایم خاصی که مصلحت متهم یا جامعه اقتضاء می‌کند و به عبارت دیگر مقتضای عدالت حقوقی است، نباید وی را بازداشت کرد و باید تا آنجا که ممکن است برای تضمین حضور به موقع وی در جلسات دادرسی از راه صدور قرارهای جانشین یا جایگزین‌های بازداشت موقت عمل نمود، صدور چنین قرارهایی به سبب اینکه خلاف مقتضای اصل برائت می‌باشد جز با دخالت مقام قضایی امکان پذیر نیست (آشوری، ۲۰۵/۲). همچنین ضابطان باید در اسرع وقت بعد از دستگیری به تفصیل و به زبانی قابل فهم برای متهم او را از نوع و علل اتهام آگاه سازند (نک: اصل ۳۲ ق.ا) و بایستی از معرفی شخص تحت تعقیب به عنوان مجرم تا اثبات اتهام او در یک دادگاه صالح طبق یک دادرسی عادلانه خودداری گردد و بسیاری از

حقوق و امتیازات نیز برای متهم در هنگام تعقیب بایستی به رسمیت شناخته شود و با توجه به اینکه اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود ضرورت تأمین آزادی و عدم تعرض به آن جز در موارد استثنایی، به خوبی در کشدنی است و باید برای آن تضمینات لازم تدارک دیده شود.(آشوری، بشیریه، هاشمی، یزدی؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ۱۸۶).

### نتایج مقاله

اصل برائت که ریشه‌های مهمی در آیات و روایات دارد، از دیر باز در حقوق اسلامی به عنوان یکی از اصول مترقبی پیش‌بینی شده در حوزه‌های مختلف حقوقی و کیفری، کارایی داشته و به همین دلیل مقتن در قوانین مدنی و کیفری بدان تمسک جسته است. اهمیت اصل برائت در حقوق کیفری آن هم به دلیل اهمیت غیر قابل اغماض آبرو و حیثیت افراد از اهمیت بیشتری بر خوردار بوده و به همین جهت هم اصل بر برائت و بی‌گناهی اشخاص می‌باشد مگر خلاف آن اثبات گردد.

امروزه مصونیت از تعرض دیگران یکی از ابعاد مهم امنیت فردی می‌باشد که این مصونیت در صورت نادیده گرفتن اصل برائت و آثار و قلمرو آن خدشه دار می‌گردد، انتساب اتهامات بی اساس به افراد و برچسب کیفری به دیگران زدن، یا اتهام ارتکاب اعمال و رفتار خلاف اخلاق به امنیت عمومی چنانچه واقعی نبوده و یا متکی به دلائل و قرائن قابل اثبات نباشد، می‌تواند اعتبار، حیثیت، امنیت روحی و روانی و اجتماعی افراد را متزلزل و مخدوش نماید و در واقع جهت مقابله با این تعرض و به منظور نظم بخشیدن به روابط اجتماعی و انسانی، اصل برائت مورد پیش‌بینی و تأیید قرار گرفته است. پیش‌بینی اصل برائت را می‌توان یکی از تدابیر در جهت حفظ امنیت روانی، فیزیکی و ثبات اجتماعی و معنوی افراد جامعه محسوب نمود.

## کتابشناسی

۱- قرآن کریم

- ۲- احمد پور، ایوب، درآمدی در مبانی حقوق شهرنشی در اسلامی، مجله پژوهش های اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷‌ش.
- ۳- انصاری، ولی‌ا...، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰‌ش.
- ۴- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۵- آشوری، محمد، آین دادرسی کیفری، تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۹‌ش.
- ۶- آشوری، محمد- بشیریه، حسین- هاشمی، سید محمد- بزدی، عبدالمجید؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات و انصاف و عدالت، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فروردین ۱۳۸۳‌ش.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲‌ش.
- ۸- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، انتشارات نشر، ۱۳۸۷‌ش.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، چاپ دوم، نشر اسراء، ۱۳۸۵‌ش.
- ۱۰- همو، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ پنجم، نشر اسراء، قم ۱۳۸۶‌ش.
- ۱۱- خزانی، منوچهر، اصل برائت و اقامه دلیل در دعوای کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵ و ۱۶، پاییز ۱۳۷۲ تا تابستان ۱۳۷۲‌ش.
- ۱۲- سرمست بنایی، باقر اصل برائت و حقوق کیفری، چاپ اول، نشر گستر، ۱۳۸۷‌ش.
- ۱۳- شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، مندرج در علوم جنایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳‌ش.
- ۱۴- صدر، باقر، دروس فی علم الاصول، المنظمه العامیه الحوزات و المدارس الاسلامیه، ۱۳۲۰ق.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوقی، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱‌ش.
- ۱۶- محقق داماد، سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه «دفتر سوم»، چاپ دوم، انتشارات بهار ۱۳۸۱‌ش.
- ۱۷- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۷۳‌ش.
- ۱۸- محمدی، علی، شرح کفایه الاصول، چاپ چهارم، انتشارات الامام الحسن بن علی، ۱۳۸۵‌ش.
- ۱۹- مظفر، محمد رضا، اصول فقه، چاپ هفتم، انتشارات دارالفنون، پاییز ۱۳۸۷‌ش.